



اشاره‌ای به حیات سیاسی امام علی النقی علیه‌السلام، در کلام امام خامنه‌ای

در آستانه‌ی سالروز شهادت دهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام علی النقی الهادی علیه‌السلام پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای بیانات معظمه را درباره‌ی حیات نورانی این امام همام منتشر می‌کند.

بیانات منتشر نشده که سی‌ام مردادماه سال ۱۳۸۳ ایراد شده است

اشاره‌ای به حیات سیاسی امام علی النقی علیه‌السلام، در کلام امام خامنه‌ای

در آستانه‌ی سالروز شهادت دهمین اختر تابناک آسمان امامت و ولایت حضرت امام علی النقی الهادی علیه‌السلام پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای بیانات معظمه را درباره‌ی حیات نورانی این امام همام منتشر می‌کند.

این سخنان در سی‌ام مردادماه سال ۱۳۸۳ و پس از مراسم روضه‌خوانی به مناسبت شهادت حضرت امام علی النقی علیه‌السلام بیان شده است.

* بسم‌الله الرحمن الرحیم

بالاخره در نبرد بین امام هادی (علیه‌السلام) و خلفائی که در زمان ایشان بودند، آن کس که ظاهراً و باطناً پیروز شد، حضرت هادی (علیه‌السلام) بود؛ این باید در همه‌ی بیانات و اظهارات ما مورد نظر باشد.

* شیعه در دوران حضرت هادی و حضرت عسگری (علیهماالسلام) قویتر شد

در زمان امامت آن بزرگوار شش خلیفه، یکی پس از دیگری، آمدند و به درک واصل شدند. آخرین نفر آنها، «معتز» بود که حضرت را شهید کرد و خودش هم به فاصله‌ی کوتاهی مُرد.

این خلفا غالباً با ذلت مردند؛ یکی به‌دست پسرش کشته شد، دیگری به دست برادرزاده‌اش و به همین ترتیب بنی‌عباس تارومار شدند؛ به عکس شیعه. شیعه در دوران حضرت هادی و حضرت عسگری (علیهماالسلام) و در آن شدت عمل روزبه‌روز وسعت پیدا کرد؛ قویتر شد. حضرت هادی (علیه‌السلام) چهل و دو سال عمر کردند که بیست سالش را در سامرا بودند؛ آن‌جا مزرعه داشتند و در آن شهر کار و زندگی می‌کردند.

* سامرا مثل یک پادگان بود

سامرا در واقع مثل یک پادگان بود و آن را معتصم ساخت تا غلامان ترک نزدیک به خود را - با ترک‌های خودمان؛ ترک‌های آذربایجان و سایر نقاط اشتباه نشود - که از ترکستان و سمرقند و از همین منطقه‌ی مغولستان و آسیای شرقی آورده بود، در سامرا نگه دارد.

* زیر برق شمشیر تیز و خونریز همان شش خلیفه، پیام امامت را از سامرا به سرتاسر دنیای اسلام رساندند

این عده چون تازه اسلام آورده بودند، ائمه و مؤمنان را نمی‌شناختند و از اسلام سر در نمی‌آوردند. به همین دلیل، مزاحم مردم می‌شدند و با عرب‌ها - مردم بغداد - اختلاف پیدا کردند. در همین شهر سامرا عده‌ی قابل توجهی از بزرگان شیعه در زمان امام هادی (علیه‌السلام) جمع شدند و حضرت توانست آنها را اداره کند و به وسیله‌ی آنها پیام امامت را به سرتاسر دنیای اسلام - با نامه‌نگاری و... - برساند.

این شبکه‌های شیعه در قم، خراسان، ری، مدینه، یمن و در مناطق دوردست و در همه‌ی اقطار دنیا را همین عده توانستند رواج بدهند و روزبه‌روز تعداد افرادی را که مؤمن به این مکتب هستند، زیادتر کنند. امام هادی همه‌ی این کارها را در زیر برق شمشیر تیز و خونریز همان شش خلیفه و علی‌رغم آنها انجام داده است.

* علی‌رغم اجتماع عده‌ی قابل توجهی از شیعیان در سامرا، دستگاه خلافت هم آنها را نمی‌شناخت

حدیث معروفی درباره‌ی وفات حضرت هادی (علیه‌السلام) هست که از عبارت آن معلوم میشود که عده‌ی قابل توجهی از شیعیان در سامرا جمع شده بودند؛ به‌گونه‌ای که دستگاه خلافت هم آنها را نمی‌شناخت؛ چون اگر می‌شناخت، همه‌شان را تارومار می‌کرد؛ اما این عده چون شبکه‌ی قوی‌ای به‌وجود آورده بودند، دستگاه خلافت نمی‌توانست به آنها دسترسی پیدا کند.

* یک روز مجاهدت ائمه (علیهم‌السلام) به قدر سال‌ها اثر می‌گذاشت

یک روز مجاهدت این بزرگوارها - ائمه (علیهم‌السلام) - به قدر سال‌ها اثر می‌گذاشت؛ یک روز از زندگی مبارک اینها مثل جماعتی که سالها کار کنند، در جامعه اثر می‌گذاشت. این بزرگواران دین را همین‌طور حفظ کردند، والا دینی که در رأسش متوکل و معتز و معتصم و مأمون باشد و علمایش اشخاصی باشند مثل یحییبن‌اکثم که با آن‌که عالم دستگاه بودند، خودشان از فسّاق و فجّار درجه یکِ علنی بودند، اصلاً نباید بماند؛ باید همان روزها بکل کلکِ آن‌کنده میشد؛ تمام میشد. این مجاهدت و تلاش ائمه (علیهم‌السلام) نه فقط تشیع بلکه قرآن، اسلام و معارف دینی را حفظ کرد؛ این است خاصیت بندگان خالص و مخلص و اولیای خدا.

* اگر اسلام انسان‌های کمر بسته نداشت، نمی‌توانست بعد از هزار و دویست، سیصد سال تازه زنده شود و بیداری اسلامی به وجود بیاید؛ باید یواش یواش از بین میرفت.

اگر اسلام کسانی را نداشت که بعد از پیغمبر(ص) این معارف عظیم را در ذهن تاریخ بشری و در تاریخ اسلامی نهادینه کنند، باید از بین می‌رفت؛ تمام می‌شد و اصلاً هیچ چیزش نمی‌ماند؛ اگر هم می‌ماند، از معارف چیزی باقی نمی‌ماند؛ مثل مسیحیت و یهودیتی که حالا از معارف اصلیشان تقریباً هیچ چیز باقی نمانده است. این‌که قرآن سالم بماند، حدیث نبوی بماند، این همه احکام و معارف بماند و معارف اسلامی بعد از هزار سال بتواند در رأس معارف بشری خودش را نشان دهد، کار طبیعی نبود؛ کار غیرطبیعی بود که با مجاهدت انجام گرفت. البته در راه این کار بزرگ، کتک خوردن، زندان رفتن و کشته شدن هم هست، که این‌ها برای این بزرگوارها چیزی نبود.

* جا هم دارد برای مظلومیت ائمه گریه کنیم

ائمه‌ی ما در طول این دویست و پنجاه سال امامت - از روز رحلت نبی مکرم اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تا روز وفات حضرت عسکری، دویست و پنجاه سال است - خیلی زجر کشیدند، کشته شدند، مظلوم واقع شدند و جا هم دارد برایشان گریه کنیم؛ مظلومیت‌شان دلها و عواطف را به خود متوجه کرده است؛ اما این مظلومها غلبه کردند؛ هم مقطعی غلبه کردند، هم در مجموع و در طول زمان.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته